



مدیر حقوق



شاپای چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۷ - شماره ۲۱ - پاییز ۱۴۰۳

- شرط التزام عام در پرتو رویه دیوان داوری ایکسید
امیرحسین یزدانی، ناصر علیدوستی شهرکی
 تحلیل حقوقی آراء صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دعاوی مرتبط با ایران
سیما عباسی، شهرزاد دربندی
 مخصصات اسرائیل و حماس در آئینه حقوق بین‌الملل کیفری (۲۰۲۳ میلادی)
محمد بابایی، نوید زمانه قدیم، داوود علیزاده
 نقش سبک زندگی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی در پیشگیری از جرایم مرتبط با کووید-۱۹ از نظر کارشناسان در حقوق کیفری ایران
ایرج مروتی
 مدیریت ذخایر هیدروکربوری فرامرزی: همکاری به عنوان یک تعهد عرفی (با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دریاها در سال ۲۰۱۷ میلادی در دعاوی غنا و ساحل عاج)
علی رضایی، سیدرسول طباطبایی مقدم
 حمایت کیفری از اطفال و نوجوانان در معرض خطر در حقوق ایران و لبنان
امین‌رضا بهار فلامرزی
 نحوه اداره اموال محجورین در حقوق ایران و ترکیه
سارا فرزادی مهر، محمدرضا حقیقی، اسماعیل عموری
 تحلیل و بررسی ماهیت جعله در نظام حقوقی ایران
امیرمحمد توکلی، محمدرضا عضدی، قاسم توکلی
 ماهیت و ابعاد حقوقی دستور موقت صادره از هیات حل اختلاف قراردادی وزارت نفت
شیدا غم افروز، محمدرضا افشاری، مهدی پیری
 حقوق سهامداران نهادی و سهامداران خرد در بازار سرمایه ایران
پریسا رضوان، علی زارع
 محدودیت‌های فعالیت نظامی کشورهای ثالث در منطقه انحصاری اقتصادی دولت ساحلی
محسن بهجتی
 فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
زهره السادات مکی، اسماعیل کشکولیان
 مبانی حقوقی تاسیس مدارس غیردولتی در ایران با تأکید بر نقش آموزش و پرورش بر پیشگیری از وقوع جرم
مینا دانش آموز، حکیمه ابوالحسنی
 مسیرهای دموکراتیک و استبدادی در آینده حقوق بین‌الملل
سعید بهبودی نژاد
 شهرهای هوشمند و حقوق تجارت بین‌الملل
آرام عباسپور جلالی
 آثار حقوقی هنجارهای آمره: آن‌کس که جعبه پاندورا را گشود آیا به پیامدش فکر نمود؟
سهیل گلچین
 رابطه میان تعهدات شفافیت و سرمایه‌گذاری خارجی در انرژی‌های تجدیدپذیر: تحقق نقش بالقوه موافقتنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری
یوسف اخلاقی
 سیاست کیفری ایران در قبال جرائم خاص نظامی نیروهای مسلح
یاسر شاکری



The Way of Managing the Property of Prisoners in Iranian and Turkish Laws

Sara Farzadi Mehr

Master of Private Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (Corresponding Author)

Mohammadreza Haghighi

PhD in jurisprudence and private law, Department of Law, Faculty of Humanities, Ahvaz Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Esmail Amouri

Master of Private Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

نحوه اداره اموال محجورین در حقوق ایران و ترکیه

سارا فرزادی مهر

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

farzadimehr.sara@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0005-5498-4660>

محمدرضا حقیقی

دکتری فقه و حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، اهواز، ایران

mohammadhaghighi50158@gmail.com
<http://orcid.org/0000-0001-9428-9842>

اسماعیل عموری

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، اهواز، ایران

esmailamouri78@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0002-6098-7161>

Abstract

The purpose of the study is the way of managing the property of prisoners in Iranian and Turkish laws. This research has been written in a descriptive-analytical way, to introduce and clarify the executive function of the civil laws of Islamic countries. Significant similarities are observed in the principles and legal procedures of both countries, this shows the commitment of both countries to protect the interests and rights of the prisoners. Such similarities are based on legal frameworks and regulatory structures, which guarantee the interests of the prisoners in all financial and nonfinancial matters. Property management is one of the topics that is very important in Iranian law and jurisprudence. Among the most important of these cases are the issues related to the role of the guardian in the administration of the restricted property. In Islamic jurisprudence and Iranian law, various aspects of this issue have been studied. With the investigation that was done in the laws of these two countries, the limits of the duties and powers of the compulsory guardian in financial and non-financial matters have been determined, and this is in the best interest of the custodian. Among the main and fundamental similarities between the two countries, we can mention the central role of the court in determining the guardian of the deceased as a judicial supervisor, the observance of the interests of the deceased by the guardians and their protective role, etc.

Keywords: Property Administration, Iran, Turkiye, Rights, Prisoners.

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، نحوه اداره اموال محجورین در حقوق ایران و ترکیه است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف شناساندن و روشنگری کارکرد اجرایی قوانین مدنی کشورهای اسلامی به رشته تحریر در آمده است. شباهت‌های قابل توجهی در اصول و رویه‌های حقوقی هر دو کشور مشاهده می‌شود، این امر نشان‌دهنده تعهد هر دو کشور به منظور حمایت از منافع و حقوق محجورین است. چنین شباهت‌هایی بر اساس چهارچوب‌های قانونی و ساختارهای نظارتی استوار است که این امر تضمین‌کننده رعایت مصلحت محجورین در تمامی امور مالی و غیرمالی است. اداره اموال از جمله مباحثی است که در فقه و حقوق ایران از اهمیت زیادی برخوردار است؛ از جمله مهم‌ترین این موارد، مباحث مربوط به نقش قیم در اداره اموال محجور است. در فقه اسلامی و حقوق ایران، جنبه‌های مختلف این امر مورد بررسی قرار گرفته است. با بررسی که در حقوق این دو کشور انجام گرفت، حدود وظایف و اختیارات ولی قهری در امور مالی و غیرمالی مشخص شده است و این امر به مصلحت مولی علیه است. از جمله شباهت‌های اصلی و اساسی دو کشور می‌توان به نقش محجور دادگاه در تعیین سرپرست محجور به‌عنوان نظارت‌کننده قضایی، رعایت مصلحت محجور توسط سرپرستان و نقش حمایتی آنان و... اشاره نمود.

واژگان کلیدی: اداره اموال، ایران، ترکیه، حقوق، محجورین.

Received: 2024/04/19 - Review: 2024/07/01 - Accepted: 2024/08/11

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ - پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱

ارجاع:

فرزادی مهر، سارا؛ حقیقی، محمدرضا؛ عموری، اسماعیل؛ (۱۴۰۳)، نحوه اداره اموال محجورین در حقوق ایران و ترکیه، تمدن حقوقی، شماره ۲۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

ولایت در فقه اسلامی به معنای اختیار، حق دسترسی یا مسئولیت، نظارت و کنترل بر افراد خاصی مانند افراد صغیر، ناتوان یا محجور است که توانایی انجام امور خود را ندارند. این نظارت و کنترل به دلیل عدم توانایی یا نقص در اهلیت قانونی اعمال می‌گردد. محجورین به افرادی گفته می‌شوند که به دلیل سن کم، عدم تعادل روانی یا سفاقت نیازمند نظارت و مدیریت هستند. به عبارت دیگر، به افرادی اطلاق می‌گردند که توانایی درک و تصرف در اموال خود را ندارند. ولایت در اصطلاح لغوی به معنای حکومت، تصرف، تسلط پیدا کردن، یاری، دست یافتن و... و در اصطلاح حقوقی، اختیار، مسئولیت خاص، حقوق و وظایفی است که یک شخص، بر طبق رابطه خاص خود در برابر دیگران دارا است، به منظور اداره امور مولی علیه به او واگذار می‌شود یا مطابق قانون به او داده می‌شود که به نمایندگی از شخص دیگری اقدام نماید.

ولایت قهری یکی از انواع ولایت است و به معنای نظارت اجباری و اضطراری است؛ عده‌ای از حقوقدانان این ولایت را تحت عنوان ولایت اجباری می‌دانند (عباس زاده مهنه و رخشان، ۱۳۹۵، ۵۶). این نوع ولایت، توسط پدر یا جد پدری و بدون انتخاب و یا رضایت محجور اعمال می‌گردد. مطابق ماده‌های ۱۱۸۱ و ۱۱۹۴ قانون مدنی، پدر و جد پدری و وصی منصوب از جانب هریک از آنان، دارای ولایت خاص هستند و ولی خاص طفل نامیده می‌شوند. هدف از ولایت، حفاظت و مدیریت امور محجورین و

جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی به منظور برخورداری از حقوق قانونی و ادامه زندگی آن‌ها است. این مفهوم، در قوانین کشورهای ایران و ترکیه به شکلی مشابه و با تعهد به حمایت از منافع محجورین اعمال می‌گردد.

مفاهیم کلی معاملات محجورین و آثار معاملات در فقه و حقوق، اداره اموال و حمایت از آنان را به دنبال خواهد داشت. افراد برای رفع نیازها و بقای زندگی به مادیات وابسته‌اند. این مادیات همان اموالی است که محور بحث ما را تشکیل می‌دهد. حال با مطالعه و بررسی پیرامون فقه و قوانین مطروحه در این راستا باید این مطلب را مورد مطالعه قرار دهیم که چنانچه این اموال در مالکیت شخصی است که فاقد قوه ادراک است، قانون‌گذار چه نظری دارد؟ محجورین (صغیر، سفیه و مجنون) به افرادی اطلاق می‌گردند که به دلیل نقص یا فقدان اهلیت قانونی، به حکم قانون، از انجام تمام یا برخی از اعمال و تعهدات حقوقی منع و یا محدود شده‌اند و تا زمانی که این محدودیت و ممنوعیت‌ها برطرف نگردد؛ این افراد به منظور حفظ حقوق و منافع خود و جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی دیگران، نیازمند نظارت و حمایت قانونی یا قضایی هستند. بدین جهت، قانون به منظور اداره امور مالی و غیرمالی و نظارت بر اعمال و تصمیم‌گیری‌ها، قیم یا ولی را تعیین می‌نماید.

در تشخیص اسباب حجر و مسئولیت‌پذیری محجور در فقه و حقوق، نظرات موازی و در حقوق مدنی دیگر کشورها نیز تعریف‌های نزدیک به هم ارائه شده است اما از آن جایی که مالکیت افراد پذیرفته شده است، تفاوتی میان محجورین و سایر افراد بشر نیست. این ممنوعیت سبب ایجاد ابهامات و سوالات متعددی پیرامون مسئله حجر شده است. یکی از سوالاتی که مطرح می‌شود این است که نقش سرپرست در اداره اموال محجورین در حقوق ایران چگونه است؟ و در صورت پاسخ در حقوق ترکیه به چه صورت است؟ و حقوق این دو کشور چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند؟

با مطالعات اولیه‌ای که توسط نگارندگان صورت پذیرفته است، می‌توان گفت که حقوق ایران و ترکیه در باب ولایت قهری مشترک هستند و تنها کسانی حق معامله اموال خود را دارند که یا مالک باشند یا دارای نمایندگی قراردادی و قانونی از سوی مالک باشند؛ یکی از این نمایندگان قانونی، قیم یا سرپرست فرد محجور است که با حکم دادگاه مسئولیت امور فرد محجور را بر عهده دارد. اما این سوال مطرح می‌شود که حدود اختیارات ولی یا قیم برای انجام معاملات چگونه است؟ و این که آیا اصولاً قیم می‌تواند به نمایندگی از محجور معامله‌ای را منعقد نماید؟ همان‌گونه که در تعاملات و معاملات امروزی

مشخص است، ولی یا قیم نقش مهمی در اداره اموال محجورین بر عهده دارد، اما با توجه به اهمیت بالای این موضوع، مطالعات و آگاهی‌سازی اندکی صورت گرفته است.

در این پژوهش، به منظور ارائه پاسخ مناسب به پرسش‌های فوق، سعی خواهد شد با مقایسه نظام حقوقی دو کشور ایران و ترکیه و اشتراکات و افتراقات آن‌ها، نحوه اداره اموال محجورین مورد بررسی قرار گیرد؛ بدین جهت، مطالب این پژوهش، در پنج بخش مطرح می‌شود که در بخش اول و دوم، ولایت پدر، جد پدری و مادر، بخش سوم، تکالیف و اختیارات قیم، بخش چهارم، اختیارات ولی و بخش پنجم نیز حدود اختیارات ولی در امور مالی و غیرمالی مطابق با نظام حقوقی ایران و ترکیه پرداخته می‌شود.

۱- ولایت پدر و جد پدری

در حقوق ایران، ولایت عمدتاً به دو دسته ولایت قهری و اختیاری تقسیم می‌شود و مطابق ماده‌های ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ قانون مدنی و قوانین فقهی پدر و جد پدری، دارای ولایت قهری بر فرزندان صغیر خود هستند. این نوع از ولایت که بدون نیاز به حکم قضایی به افراد تعلق می‌گیرد، شامل تصمیم‌گیری در امور شخصی، تربیت و آموزش، انتخاب همسر، اداره امور غیرمالی و مالی تا هنگامی که فرزند به سن رشد برسد، می‌گردد.

در ارتباط با این که ولایت جد پدری در عرض و یا در طول ولایت پدر است، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ مشهور فقها معتقدند ولایت پدر و جد پدری مشترک است و در نتیجه قائل به استقلال آن‌ها در تصرف اموال مولی علیه خود هستند؛ عده دیگری ولایت جد را در طول ولایت پدر می‌دانند و معتقدند تا هنگام زنده بودن پدر، دخالت و تصرف جد پدری در امور محجور ممنوع است (نجفی، ۱۴۳۲ق، ۱۶۵) و (عاملی، ۱۳۹۱، ۶۶۶). لازم به ذکر است، هریک از پدر یا جد پدری می‌توانند مستقلاً امور مولی علیه خود را اداره و یا به نمایندگی امور او را انجام دهند و هیچ کدام نسبت به یکدیگر تقدم ندارند و چنانچه تصرفات آنان مفسده‌ای برای صغیر نداشته باشد نافذ است.

در شریعت مقدس اسلام، حدود اختیارات ولی قهری وسیع‌تر از قیم بوده و پدر و جد پدری به‌عنوان ولی قهری که نماینده قانونی مولی علیه (صغیر، معجون و سفیه) است، دارای اختیار کامل بوده و مولی علیه از تصرف در امور مالی و اکثر امور غیرمالی چون نکاح، بیع، اجاره و... ممنوع است. فقهای شیعه اتفاق نظر دارند که ولی قهری باید در تصرفاتش نسبت به دارایی و امور غیرمالی مولی علیه غبطه، صلاح و

مصلحت او را رعایت نموده و حداقل مفسده و ضرری در اقدامات خویش نداشته باشد. لازم به ذکر است، نمایندگی ولی خاص و قیم عام بوده و انتخاب این روش در قوانین موضوعه این حسن را خواهد داشت که مقنن را از جهت مقررات مفصل در باب اختیارات ایشان بی‌نیاز می‌کند، اما در مقابل حقوق مولی علیه ممکن است در معرض تفریط قرار گیرد و از این جهت لازم است که مقررات موضوعه با تشریح موضوع و تعیین وظایف و اختیارات ایشان صریح، جامع و مانع باشد و با زدودن نواقص و ابهامات و اجمال‌ها امکان تفسیرهای گوناگون را بزدايد. در برخی امور اعم از مالی و غیرمالی مشکلاتی در اجرای اختیارات مطلق ولی قهری وجود دارد. در این خصوص می‌توان به تفویض اختیار به ولی صغیر در مورد حق استیفای قصاص، اخذ دیه، عفو جانی، ادای سوگند از طرف مولی علیه و... اشاره نمود که به لحاظ مبهم بودن قوانین موضوعه می‌بایست به منبع و ماخذ اصلی یعنی فقه اسلامی مراجعه شود.

در حقوق ترکیه، به دلیل این که از نظام حقوقی خاصی (لاییک) پیروی می‌شود، مفهوم ولایت و سرپرستی به شیوه‌های مختلفی تعریف شده‌اند. این نظام حقوقی، از اصول و مقرراتی پیروی می‌کند که برابری حقوقی میان والدین را تضمین می‌کند، در حالی که در ایران، نظام حقوقی مبتنی بر شریعت مقدس اسلام است. در ایران، ولایت پدر و جد پدری، بدون نیاز به حکم قضایی و به صورت خودکار اعمال می‌شود و در صورت زنده بودن پدر، او دارای اولویت است، این در حالی است که در ترکیه مداخله قضایی برای تعیین سرپرست در موارد خاص بیشتر مشاهده می‌شود.

۱-۱- ولایت بر اموال

مورد این ولایت، تصرف اداری شخصی بر مال دیگری است مانند ولی خاص یا عام در اداره مالی محجورین، ولایت حاکم بر مال غایب مفقود الخبر و ولایت صندوق رسمی بر مالی که به آن سپرده می‌شود. ولایت بر اموال ممکن است به شکل‌های مختلفی باشد؛ برخی از آن‌ها عبارتند از: خرید و فروش، مضاربه، خمس و زکات، هبه، قرض و صلح.

۱-۲- ولایت بر نفس

مورد این ولایت، تربیت و نگهداری مولی علیه است؛ به عبارت دیگر صغار، مجانین و سفها، ولی خاص، وصی و قیم عهده دار این قسم از ولایت هستند. ولایت بر نفس نیز ممکن است به شکل‌های مختلفی باشد؛ برخی از آن‌ها عبارتند از تعلیم، تربیت، تادیب، ازدواج، عقود محرمت، حقوقی از قبیل قصاص،

تولیت، وقف، نفقات، طلاق و... به عبارتی، ولی می‌تواند اموال مولی علیه را بفروشد یا اجاره دهد یا چیزی را برای او اجاره کند یا به مضاربه دهد و مقداری از آن را به دیگران ببخشد یا هبه بر او را قبول کند و یا اموالش را قرض دهد و همچنین اگر کسی در امور مالی و جسمی و یا سایر امور کودکانی تصرف نماید، تصرفش صحیح نیست مگر ولی صغیر آن تصرف را بپذیرد.

۲- ولایت مادر

مطابق حقوق مدنی ایران، ولایت قهری مختص پدر و جد پدری است. این در حالی است که در نظام حقوقی ما مادر دارای ولایت قهری نیست ولی باین حال می‌تواند به‌عنوان قیم، وصی و... منصوب گردد (رائی فر، ۱۳۹۴، ۳۰). این امر در نظام حقوقی ما اشکالاتی را پدید می‌آورد و بهتر است سمت ولایت و اداره امور مولی علیه، علاوه بر پدر و جد پدری به مادر نیز داده شود. ولایت مادر، مفهومی قانونی است که حقوق و تکالیف را نسبت به فرزندان خود معین می‌نماید. بر اساس ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی، پدر و مادر حق ولایت بر فرزندان خود را دارند و اگر هر دو زنده باشند، این حق به‌طور اشتراکی به آن‌ها تعلق می‌گیرد.

در قانون ترکیه، برخلاف حقوق ایران، تفاوتی میان پدر، جد پدری و مادر نیست و مادر نیز به اندازه پدر دارای حق ولایت است؛ بر طبق ماده‌های ۱۰۲ و ۲۰۰ قانون مدنی ترکیه، ولایت به‌صورت مشترک به والدین تعلق می‌یابد و در صورت جدایی والدین، تعیین ولایت توسط دادگاه انجام می‌شود مگر این که دادگاه، آن‌ها را فاقد صلاحیت بداند. همچنین، نقش جد پدری در سرپرستی کمتر مورد تأکید قرار گرفته است. این در حالی است که در حقوق ایران، ولایت والدین بر فرزندان، در صورت زنده بودن هر دو والدین به‌طور اشتراکی به آن‌ها تعلق می‌گیرد. به‌طور کلی می‌توان گفت، در قوانین هر دو کشور حقوق والدین برای اداره امور، انجام تصمیمات مهم، تربیت و مراقبت از فرزند خود تنظیم گردیده است.

۳- تکالیف و اختیارات قیم

وظایف قیم در قانون مدنی و قانون حسبی تعیین شده است؛ این وظایف، به اموری که برای آن قیم انتخاب می‌کنند بستگی دارد و اگر برای اداره اموال باشد، قانون خاص خودش را دارد و اگر برای تربیت باشد نیز از قانون خاص خودش پیروی می‌کند جز در موارد خاص و استثنایی که قوانین کامل هستند، در مواردی استثنایی هم باید از قوانین دیگری نیز استفاده کرد. طبق قانون، قیم می‌تواند در اموال منقول مولی علیه دخل و تصرف داشته باشد، ولی نسبت به اموال غیرمنقول باید با اجازه دادستان دخل و تصرف کند،

در صورتی که فرد صغیر به سن بلوغ برسد تمامی اموال از قبیل منقول و غیرمنقول به خود او تعلق می‌گیرد و اگر راجع به عملکرد قیم خود شکایتی دارد که وی مصلحت را رعایت نکرده می‌تواند به مراجع قانونی شکایت کند، ولی در این صورت فرد قیم هم با ارائه مدارک می‌تواند ادعا کند که در نگهداری از اموال مصلحت را رعایت کرده است.

طبق ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی، مواظبت شخص مولی علیه و نمایندگی قانونی او در همه امور مربوطه به اموال و حقوق مالی او با قیم است. از نکات دیگری که قیم باید حتماً در اداره امور قیم مورد توجه داشته باشد، رعایت غبطه و مصلحت محجور است. قیم باید از اعمالی که مضر به حال محجور باشد بپرهیزد. تکالیف و اختیارات قیم، همچون ولی قهری و وصی دارای وسعت نیست و علت این امر آن است که روابط عاطفی و خونی میان ولی خاص و محجور موجب می‌شود به‌طور طبیعی مصلحت مولی علیه را رعایت نماید و نیازی به نظارت و دخالت مقامات حکومتی و قضایی نیست. مطابق ماده ۷۵ قانون امور حسبی، چنانچه قیم پس از تاریخ نصب و قبل از ابلاغ، نسبت به محجور اعمالی انجام داده باشد، نافذ است زیرا این شخص از تاریخی که به سمت قیمومت از طرف دادگاه منصوب گردیده واجد سمت گردیده است؛ اگر چه در این تاریخ، حکم انتصاب به او ابلاغ نشده است، بدین جهت اعمال او در حدود اختیاراتی که مطابق قانون به او واگذار شده صورت گرفته است؛ بنابراین، در صورتی که قیم قبل از ابلاغ تصمیم دادگاه از انتصاب خود به این سمت آگاه شود، می‌تواند به اداره امور محجور پرداخته و تکالیف قیمومت را انجام دهد. بر طبق قانون امور حسبی، تکالیف قیم را می‌توان به دو قسم مواظبت شخص صغیر و اداره اموال و حقوق مالی او تقسیم نمود (امامی، ۱۳۹۹، ۳۲۴).

۴- اختیارات ولی

کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه با ولی است و به جای مولی علیه خود می‌تواند یک سری اعمال حقوقی را انجام دهد از جمله بیع یا اجاره مال مولی علیه، اقامه دعوا، پرداخت دین، وصول طلب و... در تمامی این موارد، آثار اعمالی که ولی به جای مولی علیه انجام داده، برای مولی علیه است. برای مثال مالی که بخرد، به ملکیت مولی علیه در می‌آید و ثمن معامله از مال او پرداخت می‌شود و مالی که بفروشد، آن مال از ملکیت مولی علیه خارج و ثمن آن به مال مولی علیه بر می‌گردد. بی‌شک وظیفه ولی منحصر به اداره امور مالی مولی علیه نیست؛ بلکه بر مولی علیه در اجاره دادن و تزویج و غیر این‌ها نیز

ولایت دارند. با توجه به این که وظایف و اختیارات ولی برخلاف قیم به طور مشخص در قانون بیان نگردیده، کلیه وظایف و اختیارات قیم را با توجه به قانون مدنی و قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ می توان در مورد ولی هم بیان نمود (امامی، ۱۳۹۹، ۵۲۱). در تمامی این موارد ولی ملزم است مصلحت محجور را رعایت نماید و رفتاری برخلاف غبطه و مصلحت او انجام ندهد.

۴-۱- حدود اختیار ولی قهری در نکاح و طلاق سفیه

در حقوق ایران، ولی قهری در خصوص نکاح و طلاق مولی علیه خود دارای اختیارات گسترده‌ای است. پدر و جد پدری به عنوان ولی قهری می توانند برای نکاح سفیه اقدام نمایند و در این خصوص باید مصلحت سفیه رعایت گردد؛ در صورت اختلاف یا عدم صلاحیت ولی، دادگاه و دادستان می توانند مداخله نمایند. به عقیده بسیاری از فقهای امامیه، نکاح سفیه بدون اذن یا اجازه ولی صحیح نمی باشد؛ زیرا نکاح، پیامدهای مالی از قبیل مهر و نفقه دارد و سفیه در امور مالی فاقد اهلیت است. امام خمینی (ره) در حاشیه‌ای بر عروه الوثقی می فرماید: «قول قوی تر این که عقد سفیه در صورت عدم مفسده صحیح و صحت مهریه موقوف بر اجازه ولی است؛ در صورت عدم اجازه باید مهر المثل را بپردازد»^۱ (خمینی، ۱۳۶۳، ۷۰۲). همچنین علامه در تذکره می فرماید: «سفیه نمی تواند بدون اذن ولی ازدواج نماید چون نکاح مشتمل بر مخارج مالی است. اگر مستقلاً ازدواج نماید ایمن از بین بردن مالش در مهریه و نفقه نخواهد بود، ناچارا باید به ولی مراجعه نماید»^۲ (حلی، ۱۴۱۴ق، ۶۱۰).

با بررسی نظرات فقها به این نتیجه می رسیم که باید میان عقد نکاح و توافق در مورد مهر تمایز قائل شویم. انتخاب همسر و انعقاد نکاح در محدوده صلاحیت سفیه است، ولی تراضی درباره میزان مهر، موقوف به اذن یا اجازه ولی یا قیم است. بر طبق ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی، سفیه یا غیررشید کسی است که تصرف او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد، با توجه به این ماده، به دلیل این که تصرفات سفیه در امور مالی خود ممنوع است، عقد نکاح موجب می شود که سفیه به منظور پرداخت مهر و نفقه در امور مالی خویش مداخله نماید؛ بنابراین به منظور جلوگیری از این امر، نکاح او با تنفیذ ولی یا قیم صورت می گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ۳۲۴).

۱- الاقوی هو صحه العقد مع عدم المفسده و توقف صحه المهر علی الاجازه و مع عدم الاجازه یرجع الی مهر المثل.

۲- لیس للسفیه أن یستقل بالتزوج لان النکاح یشتمل علی مون مائیه و لو استقل به لم یومن ان یفنی ماله فی المهر و النفقه فلا بد له من مراجعه الی ولی.

قانون مدنی درخصوص طلاق سفیه به صراحت اشاره نکرده است، در صورتی که سفیه، توانایی تصمیم‌گیری صحیح در این خصوص نداشته باشد، ولی می‌تواند با رعایت مصلحت و تحت نظارت دادگاه به نمایندگی از او اقدام نماید. با توجه به این که طلاق جزو تصرفات در امور مالی نیست و سفیه فقط از مداخله در امور مالی خود ممنوع است، می‌تواند بدون اذن اجازه ولی انجام گیرد. امام خمینی (ره) درخصوص صحت طلاق سفیه بدون اذن ولی می‌فرماید: «ازدواج سفیه بدون اذن قبلی و یا اجازه بعدی ولی صحیح نیست اما طلاق،ظهار و خلع او جایز است. اقرارش هم اگر مربوط به مال نباشد پذیرفته است»^۳ (خمینی، ۱۳۶۳، ۱۶). قانون مدنی در این خصوص، رشد را در شرایط طلاق بیان نکرده؛ با توجه به ماده ۱۱۳۹ قانون مدنی، درخصوص طلاق، می‌توان بیان نمود که نیاز نیست طلاق‌دهنده رشید باشد. به عقیده برخی حقوقدانان، طلاق و فدیة در حکم دو عوض در عقود معاوضی نیستند. طلاق بدون عوض داده می‌شود و سفیه در هیچ یک از حقوق مالی خود تصرف نمی‌کند. با وجود این، داشتن اهلیت برای طلاق به معنی امکان تسلیم فدیة به سفیه نیست. عوض باید به ولی یا قیم سفیه داده شود و گرنه زن ضامن تلف آن است (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ۳۲۴).

در حقوق ترکیه، نکاح افراد سفیه فقط با اجازه والدین و تصمیم دادگاه صورت می‌گیرد، زیرا دادگاه باید از این امر اطمینان حاصل نماید که این تصمیم به صلاح سفیه است. درخصوص طلاق افراد سفیه نیز دادگاه دارای نقش حیاتی است و تصمیم‌گیرنده نهایی است و والدین یا سرپرست قانونی نمی‌توانند برای طلاق تصمیم‌گیری نمایند. درحالی که در حقوق ایران، اجازه ولی برای نکاح حتی پس از رشد لازم است.

۴-۲- حدود اختیار ولی قهری در نکاح و طلاق مجنون

مجنون فاقد اراده بوده و به همین دلیل از انجام اعمال ارادی قاصر است و معاملاتش نیز باطل خواهد بود چرا که عقد چیزی نیست جز اراده و تراضی دو طرف؛ بنابراین وقتی یکی از این اراده‌ها وجود نداشته باشد، عقد باطل می‌گردد. نکاح نیز جزء همین قاعده است؛ چنانچه یکی از طرفین مجنون باشند، نکاح باطل خواهد بود و تنفیذ ولی یا قیم او نیز هیچ سببی برای نفوذ عقد به شمار نمی‌آید. در این مورد، ولی می‌تواند در صورتی که به مصلحت مجنون و برای او ضروری باشد به ولایت برای او تزویج نماید.

محقق حلی در کتاب شرایع درخصوص نکاح مجنون در موقع ضرورت می‌فرماید: «وصی می‌تواند

۳- لایصح زواج السفیه بدون اذن الولی لو اجازته لکن یصح طلاقه و ظهاره و خلعه یقبل اقراره ان لم یتعلق بالمال.

مجنون را تزویج نماید در صورتی که ضرورت به ازدواج داشته باشد»^۴ (حلی، ۱۴۰۹ق، ۵۰۳).

نکاح فرد مجنون، مطابق ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی، با اجازه ولی قهری است. در خصوص طلاق نیز باید میان مجنون دائمی و ادواری تفکیک قائل شد؛ طلاق مجنون دائمی، باطل و طلاق مجنون ادواری در حال افاقه صحیح است و بر طبق ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی، ولی قهری در صورت وجود مصلحت، می‌تواند به نمایندگی از مجنون تقاضای طلاق نماید و نیاز به تأیید دادگاه نمی‌باشد. همان‌طور که قیم می‌تواند به نمایندگی از مجنون برای او نکاح منعقد نماید، ولی قهری و وصی منصوب از طرف او نیز می‌توانند به نمایندگی این عمل را انجام دهند و نیازی به موافقت دادستان و تأیید دادگاه ندارند، لذا آن‌ها می‌توانند بدون اجازه دادگاه و دادستان برای مجنون، نکاح را منعقد نمایند (عباس زاده مهنه و رخشان، ۱۳۹۵، ۵۶) و (امامی و صفایی، ۱۳۸۸، ۸۷). در حقوق ترکیه، علاوه بر اجازه ولی قهری، به تأیید دادگاه هم نیاز است و نقش وکیل بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳-۴- حدود اختیار ولی قهری در نکاح و طلاق صغیر

اهلیت متعاقبین یکی از شرایط عقد است. این قاعده در کلیه معاملات حاکم بوده و در نکاح از اهمیت بیشتری برخوردار است. پسر صغیر و دختر صغیره حق ندارند بدون اجازه ولی، عقد نکاح منعقد سازند اما ولی قهری می‌تواند مولی علیه صغیر را به عقد ازدواج درآورد. در این که ولی مجاز است برای دختر صغیره یا پسر صغیر خود نکاح نماید تردیدی میان فقها وجود ندارد.

ولی قهری در خصوص طلاق زوجه صغیر هیچ اختیاری ندارد پس باید منتظر بلوغ صغیر شوند تا خود، طلاق همسر خویش را جاری نماید. ولی یا قیم صغیر حق ندارد به نمایندگی از طرف او همسرش را طلاق دهد زیرا طلاق از اموری است که قائم به شخص است و خود شخص باید در مورد آن تصمیم بگیرد. با استناد به حدیث «الطلاق ید من اخذ بالساق»، با توجه به این که خود شخص صغیر تشکیل خانواده داده، خودش هم باید لازم بودن انحلال آن را تشخیص دهد، به خصوص هنگامی که صغیر به اهلیت لازم دست پیدا می‌کند. به همین دلیل، با این که در فقه، اختیار ولی درباره فرزندان بسیار وسیع است، پذیرفته شده که ولی طفل حق ندارد زن او را طلاق دهد. قانون مدنی برای طلاق، بلوغ قانونی مرد را لازم دانسته و هیچ استثنایی برای آن قائل نشده است. بر طبق ماده ۱۱۳۶ قانون مدنی ولی صغیر می‌تواند برای او همسر اختیار

۴- للوصی ان یزوج من بلغ فاسد العقل اذا کان به ضروره الی النکاح.

کند. اما در مورد صغیر چنین اختیاری وجود ندارد زیرا زمان کودکی پایان می‌یابد و نقص حاصل از صغر در آن مدت برطرف می‌شود.

۵- حدود اختیارات ولی (امور مالی و غیرمالی)

حدود اختیارات ولی در اداره اموال و دارایی مولی علیه محدود است و می‌تواند فعلی که مصلحت و غبطه مولی علیه رعایت گردیده را انجام دهد؛ بر طبق ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی، ولی می‌تواند در امور مالی مولی علیه خود که شامل اداره دارایی، اموال، دریافت و پرداخت پول است و همچنین در امور غیرمالی مانند تعلیم، تربیت و... تصمیم‌گیری نماید. همچنین در ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی بیان گردیده: «ولی در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه، نماینده قانونی او است». نمایندگان قانونی شامل ولی، وصی، قیم و امین هستند که در موارد مشخص شده به نمایندگی از طرف مولی علیه خود اعمالی را انجام می‌دهند و نتیجه اعمال برای آن‌ها است. قیم و امین از طرف دادگاه و پس از قبولی به نمایندگی محجور منصوب و واجد سمت می‌گردند باین حال، دادگاه با اجازه قانون و بدون این که منوب عنه مداخله داشته باشد این سمت را به آن‌ها واگذار می‌نماید (موسویان، ۱۳۹۶، ۱۹).

درخصوص اخذ اجرت میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. امام خمینی (ره) در ارتباط با اخذ اجرت توسط ولی یا قیم بیان می‌دارد: «برای قیم که متولی امور مولی علیه است، جایز است که از مال او اجرت المثل عملش را بگیرد؛ چه غنی باشد یا فقیر، اگر چه احتیاط (مستحب) است و بهتر برای شخص غنی آن است که از گرفتن مزد خودداری نماید» (خمینی، ۱۳۶۳، ۱۱۵). عده‌ای از فقهای امامیه معتقدند ولی می‌تواند در مقابل اعمالی که برای مولی علیه انجام می‌دهد کمترین مقدار اجرت المثل را از دارایی او بردارد. درحالی که عده دیگری معتقدند ولی می‌تواند به مقدار اجرت المثل از دارایی مولی علیه بردارد. عده‌ای از قیاس ولی با قیم چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که حکم ماده ۱۲۴۶ قانون مدنی، در ارتباط با امکان گرفتن اجرت المثل برای قیم، در مورد ولی قهری نیز اجرا می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۸۸، ۳۸۱). در توجیه این مطلب می‌توان بیان نمود، با توجه به این که اصل بر این است که هر عملی که انسان انجام می‌دهد، مستحق اجرت است مگر این که رایگان و مجانی بودن آن عمل ذکر گردد، با الزامات قانونی ولی نسبت به انجام وظایف منافاتی ندارد (امامی، ۱۳۹۹، ۲۱۶) و (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ۲۲۸).

به‌طورکلی در نظام قانونی هر دو کشور، برای ولی قهری حق الزحمه مشخصی در نظر گرفته

نمی‌شود؛ با این وجود ولی می‌تواند در مقابل اعمالی که انجام می‌دهد فقط هزینه‌های انجام وظایف خود را از اموال مولی علیه برداشت کند.

۵-۱- حدود اختیارات ولی قهری در امور مالی

۵-۱-۱- لزوم رعایت غبطه و مصلحت مولی علیه

رعایت غبطه به معنای لحاظ داشتن مصلحت صغیر است نه رعایت اصلح موارد. به عنوان مثال، در صورت نیاز مال صغیر فروخته و به وسیله آن غذا خریده شود. فروش مال و خرید غذا در این مثال، یک فرض است و فروش مال و خریدن مواد اولیه غذا و طبخ آن فرض دیگر و صورت دوم اصلح و مقرون به صرفه است. در این صورت، اگر ولی به فرض اول عمل نمود، قطعاً عمل او صحیح است و مصلحت را رعایت نموده زیرا اگر قائل به رعایت اصلح شویم در بعضی موارد غیرقابل دسترس است. از دیدگاه قائلین این نظریه، ولی قهری، ملزم به رعایت مصلحت صغیر است و هر گاه مصلحت مولی علیه ایجاب نماید فعلی توسط ولی انجام شود، لازم است به همان عمل نماید. ولی قهری باید در همه امور (مالی و غیرمالی)، مصلحت و غبطه مولی علیه را رعایت نماید و چنانچه اعمالی انجام دهد که مصلحتی برای صغیر متصور نیست، تصرف او باطل است؛ زیرا برخلاف هدفی است که برای آن منصوب گردیده است.

۵-۱-۲- لزوم رعایت عدم ضرر و مفسده مولی علیه

رعایت عدم ضرر و مفسده از حدود ولایت و وظایف ولی قهری است. ولی یا قیم باید همواره مصلحت مولی علیه را رعایت نماید و تلاش نماید اعمالش بدون ضرر و مفسده باشد هر چند که در اعمالی که انجام می‌دهد مصلحت یا نفعی متوجه مولی علیه نباشد. به عنوان مثال، ولی قهری می‌تواند بدون دلیل و رعایت صلاحدید صغیر، مال غیرمنقول صغیر را فروخته ثمن آن را در بانک بگذارد و بدون این که این عمل نفعی برای صغیر داشته یا حتی صرفه و صلاح وی در این باشد.

بر طبق نظر یکی از فقها، رعایت عدم ضرر و مفسده برای ولی لازم دانسته شده و بر این اساس بیان می‌دارد: «ظاهراً به خاطر اجماع و عمومات نفی ضرر است که ولی باید عدم مفسده در نکاح مولی علیه را رعایت کند»^۵ (نراقی، ۱۴۱۵ق، ۱۶۷). در حالی که اغلب حقوقدانان، به پیروی از نظر مشهور فقهای امامیه، رعایت مصلحت و غبطه مولی علیه را لازم و آن را جزو اختیارات ولی قهری را می‌دانند. با توجه به ماده

۵- الظاهر وجوب مراعات الولی عدم المفسده فی النکاح لظاهر اجماع و عمومات نفی الضرر.

۱۱۸۳ قانون مدنی، روشن است که در قانون، ولی قهری در امور مولی علیه دارای اختیار مطلق است. قانون مدنی در ماده‌های ۱۲۱۲، ۱۲۱۳ و ۱۲۱۴، تصرفات مالی صغیر و مجنون و سفیه را باطل دانسته و اختیار مطلق را به ولی قهری داده است و به موجب ماده ۱۲۱۷ قانون مدنی، اداره اموال صغیر بر عهده ولی و در صورت عدم وجود ولی قهری با قیم او است.

در حقوق ترکیه نیز به همین صورت است بر طبق ماده‌های ۳۳۵، ۳۹۶ و ۳۵۷ قانون مدنی ترکیه، قیم موظف است منافع مولی علیه را در کلیه امور مربوط به شخص و اموال وی رعایت نماید و اقدامات لازم را برای حفظ و حراست از حقوق مولی علیه انجام دهد؛ در صورت عدم حفاظت دادگاه می‌تواند او را عزل و قیم جدید تعیین نماید. در هر دو کشور حمایت از حقوق مولی علیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و عدم رعایت آن می‌تواند منجر به عزل ولی یا قیم گردد.

۳-۵-۱- انتفاع ولی قهری از دارایی مولی علیه

بر طبق ماده‌های ۱۱۸۳، ۱۱۸۴ و ۱۲۳۵ قانون مدنی ایران و حقوق ترکیه، ولی قهری باید از اموال مولی علیه به گونه‌ای استفاده نماید که به نفع او باشد و نمی‌تواند از این اموال برای منافع شخصی خود استفاده نماید؛ به عبارتی هر گونه استفاده شخصی ولی از اموال مولی علیه ممنوع است.

۴-۵-۱- اعمال زیان بار ولی قهری

پدر یا جد پدری به‌عنوان ولی قهری اختیاراتی در خصوص امور مالی و غیرمالی مولی علیه داشته و به تبع آن اقداماتی را به دلیل عدم اهلیت مولی علیه انجام می‌دهند. در اکثر موارد غبطه، صلاح و مصلحت مولی را در نظر گرفته و به نفع مولی علیه اعمال ولایت می‌کنند، اما در برخی موارد مصلحت مولی علیه رعایت نمی‌شود در حالی که قانون اختیار مطلق به ولی قهری داده و کسی یا مقامی بر اقدامات ولی قهری نظارت ندارد.

طبق نظر امام خمینی (ره) در مسئله هشتم کتاب نکاح: «اگر ولی، مولی علیه خود را به کسی که معیوب است تزویج کند تزویجش صحیح نبوده و نافذ نیست»^۶ (خمینی، ۱۳۶۳، ۲۵۵). در مورد عدم ضمانت امین در غیر موارد تعدی و تفریط، اختلاف نظری میان فقها وجود ندارد؛ چنان که صاحب جواهر می‌فرماید: «به دلیل اجماع منقول، محصل و نصوص امین بدون تفریط و تعدی ضامن نمی‌باشد»^۷ (نجفی،

۶- اذا زوج الولی المولی علیه بمن له عیب لم یصح و لم ینفذ.

۷- الامر سهل بعد معلومیة عدم ضمانها بدونهما اجماعاً بقسمیه و نصوصاً.

۱۴۳۲ق، ۱۲۸). حقوقدانان نیز معتقدند که ولی قهری اگر در اثر تعدی یا تفریط، به اموال مولی علیه خسارت وارد کند ضامن است و مولی علیه پس از رشد نیز حق دارد از ولی خود تقاضای حسابرسی کند.

۵-۵-۱- اداره اموال و امور مالی مولی علیه در حقوق ترکیه

با توجه به این که در فقه حنفی، ولی در امور مالی مولی علیه مورد بررسی قرار می‌گیرد، در قانون ولایت شماره ۱۱۹ مصوب ۱۹۵۲ میلادی، درخصوص ولایت بر مال می‌توان این حالت‌ها را درباره سایر اولیاء نیز تسری داد: اول- تصرفات ولی که دارای حسن تدبیر باشد؛ هر نوع تصرفی به لحاظ مصلحت مولی علیه از سوی چنین ولی جایز است مگر در برخی موارد از جمله هبه مال مولی علیه، رهن مال غیرمنقول مولی علیه برای دین ولی، قرض دادن یا گرفتن، اجاره مال غیرمنقول مولی علیه برای مدتی بیش از سن رشد او و... که اجازه دادگاه لازم است.

دوم- تصرفات ولی که فاقد تدبیر باشد؛ تصرفات در این حالت مقید به مواردی است که دادگاه در صورت لزوم برای ولی قهری در اداره اموال مولی علیه تعیین می‌کند. به‌طورکلی در این قسم تصرفات منقول و غیرمنقول، ولی کاملاً باید به مصلحت و نفع ظاهری مولی علیه باشد و احتمال هر گونه ضرر در آن نباشد والا دادگاه آن تصرف را باطل اعلام می‌کند. تصرفات ولی که نسبت به اموال مولی علیه امین نباشد؛ همه تصرفات در این صورت باطل بوده و هیچ اثری بر آن‌ها مترتب نیست. به‌طورکلی در نحوه اداره اموال مولی علیه، ولی قهری باید تمام اموری که قانون معین نموده است را رعایت نماید و در همه حال مصلحت و غبطه او را مدنظر قرار دهد.

۵-۲- حدود اختیار ولی قهری در امور غیرمالی مولی علیه

۱-۵-۲- حدود اختیارات ولی قهری در مطالبه قصاص، دیه و عفو جانی

در حقوق ایران، در زمینه مطالبه قصاص، دیه و عفو جانی، اختیارات ولی مشخص گردیده است. بر طبق ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ولی می‌تواند به نمایندگی از مولی علیه اقدام به قصاص یا گذشت نماید و یا می‌تواند بدون گرفتن دیه در صورتی که میان اولیای دم توافق نشده باشد، اقدام به گذشت نماید.

به دلیل متفاوت بودن سیستم حقوقی ترکیه از نظام حقوقی ایران، می‌توان بیان نمود که در کشور ترکیه، مفاهیم قصاص و دیه وجود ندارد اما ولی می‌تواند همانند حقوق ایران، به نمایندگی از محجور در

همه امور اقدام نماید. اختیارات ولی در این کشور بیشتر در قالب حفظ منافع مولی علیه است و دادگاه می‌تواند در موارد خاص و با در نظر گرفتن منافع متهم و قربانی، حکم به عفو یا تخفیف مجازات دهند.

۲-۵-۲- عدم ولایت ولی قهری بر قصاص، دیه یا عفو

عده‌ای از فقها (شیخ طوسی، امام خمینی (ره) و شهید اول) نظریه انتظار بلوغ را پذیرفته‌اند؛ مطابق این نظریه، ولی قهری حق استیفای قصاص یا درخواست دیه از طرف مولی علیه خود را ندارد زیرا استیفای قصاص یا درخواست دیه، حقی است که صرفاً در اختیار ولی دم است و باید تا هنگام بلوغ و اخذ تصمیم از سوی مولی علیه منتظر بماند.

شهید ثانی استیفای قصاص را در این مورد حق صغیر دانسته و می‌فرماید: «حق قصاص از آن صغیر است و ولی او نمی‌داند که او چه چیز را اراده می‌کند، همچنین غرض از قصاص تشفی خاطر ولی دم است و آن با تعجیل قصاص قبل از بلوغ محقق نمی‌شود»^۸ (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۹۶). یحیی بن سعید الحللی می‌فرماید که ولی قهری حق استیفای قصاص را ندارد و جانی باید حبس شود تا صغیر بالغ گردد. اگر ولی دم در قتل عمدی کودک یا مجنون باشد، نمی‌تواند قصاص کند تا این که مجنون آفاقه یابد و صغیر بالغ شود (الحللی، ۱۴۰۵ق، ۵۷۵).

۳-۵-۲- ولایت بر دیه یا مال دیگر و عدم ولایت بر قصاص

بر اساس این نظر، ولی صغیر اگر چه مجاز نیست از طرف صغیر قاتل را قصاص نماید یا وی را مجانا عفو نماید ولی این حق را دارد که در صورت اقتضای مصلحت با قاتل به مقدار دیه یا مال یا مبلغ دیگری که مصلحت اقتضاء می‌کند، مصالحه نماید.

۴-۵-۲- ولایت ولی قهری بر استیفای قصاص، اخذ دیه و عفو

بر طبق این نظر، ولی قهری تمام اختیارات لازم در خصوص مطالبه قصاص یا اخذ دیه و یا هر نوع مصالحه و عفو جانی از طرف مولی علیه را دارد. در موردی که ولی یا اولیای دم صغیر باشند و این که ولی قهری حق دارد قاتل را عفو کند بدون این که مالی از او بگیرد یا خیر، میان فقها نیز اختلاف نظر وجود دارد، عده‌ای بر این عقیده هستند که ولی صغیر می‌تواند قاتل را عفو کند بدون این که مالی از او بگیرد، در مقابل بعضی دیگر فائلند ولی نمی‌تواند قاتل را به‌طور رایگان عفو کند.

۸- لان الحق له و لایعلم ما یریده حیئنذ و لان الغرض التشفی و لایتحقق بتعجیله قبله و حیئنذ فیحبس القاتل حتی یربع.

۵-۵-۲- سوگند ولی قهری از طرف مولی علیه

در حقوق ایران، با توجه به ماده ۱۳۰۲ قانون مدنی و ماده‌های ۲۷۱ و ۲۷۲ آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، ولی قهری می‌تواند به نمایندگی از مولی علیه خود در صورتی که صغیر یا مجنون باشد، سوگند یاد کند. چنانچه بر صغیر یا مجنون جنایتی وارد گردد و اثبات و تحصیل آن نیازمند سوگند باشد، ولی باید سوگند بخورد. مانند این که کسی به چشم صغیر یا به عضو دیگری از اعضای او آسیبی وارد کند که در صورت وجود لوث، با قسم ولی او، حق ثابت می‌شود. اگر مولی علیه، صغیر یا مجنون (ادواری) باشد، سوگند ولی در حالتی که زمان کمی تا بلوغ و یا رفع جنون باقی مانده باشد، صحیح نیست و باید به گونه‌ای باشد که تاخیر اقامه دعوا تا زمان حاصل شدن شرط بلوغ و رفع جنون موجب ضایع شدن حق آنان نگردد.

در ترکیه، مفاهیم سوگند و نمایندگی قانونی مشابه با ایران، به صراحت در قوانین بیان نشده است؛ باین حال ولی قهری می‌تواند به نمایندگی از مولی علیه اقدام نماید که شامل حضور در دادگاه‌ها و انجام همه اقدامات قانونی به نمایندگی از مولی علیه می‌گردد.

نتیجه

در حقوق ایران و حقوق ترکیه در مبحث اداره اموال محجورین، یک سری شباهت‌ها و تفاوت‌ها وجود دارد. از جمله شباهت‌های اصلی و اساسی میان این دو کشور می‌توان به نظارت قضایی اشاره نمود که در این خصوص دادگاه نقش به‌سزایی در تعیین سرپرست و نظارت بر محجورین دارد. در تمامی امور مالی و غیرمالی، سرپرستی که توسط دادگاه تعیین می‌گردد، موظف به رعایت مصلحت و غبطه محجور است. سرپرست محجور نه تنها در امور مالی، بلکه در امور غیرمالی که شامل مدیریت امور روزانه و جنبه‌های مختلف زندگی محجورین را در بر می‌گیرد، مکلف به رعایت مصلحت آنان است. برخی امور و تصمیمات مهم و اساسی محجور از قبیل نکاح و فروش دارایی، نیازمند تأیید دادگاه است.

در حقوق ایران، دادگاه نقش نظارتی دارد و می‌تواند در صورت عدم رعایت مصلحت توسط ولی مداخله نماید. در حقوق ترکیه، دادگاه نقش تصمیم‌گیرنده اصلی را دارد و بدون اجازه دادگاه، نکاح و طلاق سفیه ممکن نیست. ولایت پدر و جد پدری در حقوق ایران، بر اساس شریعت اسلام و قوانین مدنی و فقهی بنا نهاده شده است و عمدتاً به پدر و جد پدری اختصاص دارد. در مقابل، در حقوق ترکیه، سرپرستی کودکان بر اساس قوانین مدنی و اصول برابری جنسیتی تنظیم می‌شود و شامل هر دو والدین

می‌شود و به‌طور مشترک میان آنان تقسیم می‌گردد. در حقوق ایران، ولی یا قیم از حق نظارت بیشتری برخوردار است در حالی که مطابق قانون ترکیه، نظارت دادگاه بر تمامی امور مالی سرپرست حاکم است و از جامعیت بیشتری برخوردار است.

پیشنهاد

با توجه به چالش‌ها و ضعف موجود در هر دو سیستم حقوقی ایران و ترکیه و اهمیت حفظ حقوق و منافع محجورین، پیشنهاد می‌شود بهبود و تقویت نظارت قانونی، ایجاد مکانیسم‌های دقیق‌تر برای نظارت بر عملکرد اولیای قهری و قیم از طریق دادگاه‌ها و نهادهای نظارتی، آموزش و آگاهی بخشی، افزایش شفافیت و مسئولیت‌پذیری، ارائه حمایت‌های حقوقی و اصلاح و بازنگری قوانین برای افزایش حمایت از حقوق و منافع محجورین، کاهش و جلوگیری زمینه‌های سوءاستفاده از آن‌ها، توجه به تجربیات افراد موفق در سایر کشورها با هدف حمایت کامل از حقوق و منافع محجورین و تضمین اداره صحیح اموال و دارایی آنان می‌تواند موجب تقویت، بهبود وضعیت و ارتقاء سیستم‌های موجود گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- امامی، سیدحسن، ۱۳۹۹، **حقوق مدنی**، جلد پنجم، چاپ بیستم، تهران، انتشارات اسلامی.
- امامی، اسدالله و صفایی، سیدحسین، ۱۳۸۸، **مختصر حقوق خانواده**، چاپ پنجاه و ششم، تهران، انتشارات میزان.
- راثی فر، محمد، ۱۳۹۴، ولایت مادر بر فرزند در صورت فقدان پدر در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه امام صادق (ع).
- عباس زاده مهنه، سعید و رخشان، سیدحسینعلی، ۱۳۹۵، واکاوی حکم عقود منعقد شده در زمان حجر صغیر،

فصلنامه رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۶.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۵، **حقوق مدنی خانواده**، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- موسویان، مریم السادات، ۱۳۹۶، **سوگند ولی یا قییم از جانب مولی علیه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.

عربی

- ابن سعید، یحیی بن احمد، ۱۴۰۵ق، **الجامع للشرایع**، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه سید الشهداء.
- حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ق، **تذکره الفقهاء**، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البتیت.
- حلّی، ۱۴۰۹ق، **شرایع الاسلام فی مسائل الحرام و الحلال**، جلد چهارم، قم، انتشارات اسماعیلیان.
- حسینی عاملی، سیدمحمدجواد، ۱۳۹۱، **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**، جلد پنجم، قم، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی.
- خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۳، **تحریر الوسیله**، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی‌العاملی، ۱۴۱۰ق، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه**، چاپ اول، قم، انتشارات داوری.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۵ق، **مستند الشیعه فی احکام الشریعه**، جلد شانزدهم، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه آل‌بتیت.
- نجفی، محمدحسن، ۱۴۳۲ق، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات جامعه مدرسین قم.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.21- Autumn 2024

The Procedure of Arbitration of ICSID about Umbrella Clause

Amirhosein Yazdani, Naser Alidoosti Shahraki

Legal Analysis of Opinions Issued by the International Court of Justice Regarding Lawsuits Related to Iran

Sima Abbasi, Shahrooz Darbandi

Conflicts between Israel and Hamas in the Mirror of International Criminal Law (2023 AD)

Mohammad Babaei, Navid Zamaneh Ghadim, Davood Alizadeh

The Role of Lifestyle and Adherence to Health Protocols in Preventing Crimes Related to COVID-19 According to Experts in Iranian Criminal Law

Iraj Morvati

Managing Transboundary Petroleum Deposits: Cooperation as a Customary Obligation

(with Emphasis on Final ICJ Award in 2017 between Ghana and Côte d'Ivoire)

Ali Rezaei, Sayyed Rasol Tabatabaei Moghaddam

Criminal Protection of Children and Adolescents at Risk in the Laws of Iran and Lebanon

Amin Reza Bahar Falamarzi

The Way of Managing the Property of Prisoners in Iranian and Turkish Laws

Sara Farzadi Mehr, Mohammadreza Haghighi, Esmail Amouri

Analyzing and Investigating the Nature of Reward in the Iranian Law System

Amir Mohammad Tavakoli, Mohammad Reza Azodi, Ghasem Tavakoli

Examining the Nature and Legal Dimensions of the Provisional Measures Issued by the Dispute Resolution Committee of the Ministry of Oil

Sheyda Ghamafroz, Mohammad Reza Afshari, Mehdi Piri

The Rights of Institutional Shareholders and Retail Shareholders in Iran's Capital Market

Parisa Rezvan, Ali Zare

Limitations on the Military Activity of Third States in the Exclusive Economic Zone of the Coastal State

Mohsen Behjati

Adoption in the Legal System of Iran and England

Zahra Makki, Esmail Kashkoulan

The Legal Basis of Establishing Non-governmental Schools in Iran, Emphasizing the Role of Education in Preventing Crime

Mina Daneshamooz, Hakimeh Abolhasani

Democratic and Authoritarian Paths in the Future of International Law

Saeid Behdoudi Nejad

Smart Cities and International Trade Law

Aram Abbaspour Jalali

The Effect of Jus Cogens Norms: Whoever Opened Pandora's Box, Did You Ever Think About the Consequences?

Soheil Golchin

The Relationship between Transparency Obligations and Foreign Investment in Renewable Energies: Realising the Potential Role of IIAs

Yusef Akhlaghi

Iran's Criminal Policy for Specific Military Crimes of the Armed Forces

Yasser Shakeri